

## اروپاییان! مانع جنگ علیه ایران شویم!

فراخوان میشل روکار، یهودا آتی، و ژان ماری ماتانیه

برگردان: محمد علی اصفهانی

فراخوانی که فارسی شده اش را در زیر می خوانید، در شانزدهم نوامبر از سوی سه شخصیت سیاسی و فرهنگی سرشناس اروپا، خطاب به اروپاییان در ضرورت مقابله ی یکپارچه با تجاوز نظامی آمریکا به ایران نوشته شده است.

امضاء کنندگان این فراخوان عبارتند از:

Michel Rocard میشل روکار: از ارکان و غول های جناح چپ حزب سوسیالیست فرانسه، و نخست وزیر اسبق این کشور

Yehuda Atai یهودا آتی: نماینده ی پارلمان اروپا، عضو کمیته ی اسراییلی «برای خاورمیانه یی بدون سلاح های کشتار جمعی»، و دبیر اجرایی شبکه ی «برای یک مدیترانه ی بدون سلاح اتمی»

Jean-Marie Matagne ژان ماری ماتانیه: فیلسوف، و مدیر «اقدام شهروندان برای خلع سلاح هسته یی».

بیشتر از یک ماه است که افراد سازمانی که اینک بالاترین مسئولش رسماً اعلام داشته است که تهدید جهان در رابطه با ایران نه جنگ، بلکه «نه جنگ» است، و مزده داده است که این جنگ، به مرحله ی زمینی هم خواهد رسید و مردم ایران به وسیله ی او و همسرش نجات خواهند یافت (به صراحت، با طلبکاری، و بی هیچ پرده پوشی یی، در پیام هفتم آبان خود) و حشرات الارض پیرامون این سازمان که معمولاً گرداگرد هر

مردابی در گردشند و اساساً حیاتشان مدیون وجود مرداب هاست، بدون هیچ دلیل موجهی، بی وقفه و به طور متوسط تقریباً هر چند ساعت با یک مطلب جدید، مرا به زیر ضرب گرفته اند و یک لحظه هم آرام نمی گیرند. با سنگ هایی که خرد ترینشان دشنام های رکیک ناموسی است، و بزرگترینشان - تا ساعتی که این کلمات نوشته می شوند - مزدور رژیم و مأمور وزارت اطلاعات...

جرم من، و تنها جرم من - بدون آن که هیچ خصومت ویژه یی با این قوم داشته باشم - یکی بود و هست، و خواهد بود؛ نوشتن و ترجمه ی مطالبی در ضرورت جلوگیری از تجاوز آمریکا و اسراییل به ایران، و در ضرورت تقویت جنبش توده یی به منظور سرنگونی حکومت ملّایان، که دمیدن در تنور بحران اتمی - که از اساس، بحرانی دروغین و ساختگی است - و زمینه سازی حمله ی نظامی به ایران، توان رشد چنین جنبشی را عملاً تا به حال شاید به یک صدم امکان بالقوه ی خود رسانیده باشد.

روزی و ساعتی نیست که به دست اراذل و اوپاش حاکم بر میهن ما، جان پاک زهرایی و زهرا هایی گرفته نشود؛ جوانانی بر جرثقیل ها حلق آویز نشوند؛ زندانیانی در سیاه چال های آخوند - این تجسم عینی اهریمن بر زمین - در زیر شکنجه، تکه تکه نگردند؛ کارگرانی یک سال و دو سال مزد ناگرفته و زنانی اسیر قوانین ارتجاع مردسالار بازمانده از روزگاران فئودالیسم و برده داری، از فرط استیصال، خود کشی و خودسوزی نکنند؛ و دختران ناشکفته مان در بازار های برده فروشی شیخ نشین های عربی، به حراج گذاشته نشوند...

چرا؟

چون دو رقیب سفله، یکی برای حفظ حاکمیت خود، و دیگری

برای ربودن حاکمیت از دست او، و هر دو با قصد بیرون راندن توده  
ها - که از این هردو نفرت دارند - از صحنه، نیازمند بحرانند.  
و چه بحرانی بهتر از بحران اتمی؟ (۱)

قدّاره بر زمین بکوبیم. چوب و چماق و چاقو و سلاح به دور سر  
خود بچرخانیم. شکم سفره کنیم. عریده بکشیم. نفس کش  
بطلبیم. و کسی را هم جرأت جیک زدن نباشد.  
در ایران، ولی فقیه معمم و رجّاله هایش یک طور. و در خارج از  
ایران، ولی فقیه مکّلا و جیره خوارانش یک طور دیگر...  
و نفرین نسل های سوخته بر هر دو اینان باد!  
و بر همه ی تبهکارانی که حقیقت را می دانند و انکار می کنند!  
و بر همه ی خفه خون گرفتگان!

فضای اختناق را، جوّ ارباب را، بساط قداره بر زمین کوبیدن و  
نفس کش طلبیدن را باید درهم ریخت. بی واهمه. بی ترس و لرز  
و درنگ و این پا و آن پا کردن.  
در هرجا، به وسع خود و به توان خود.  
در ایران، آنگونه که کارگران، دانشجویان، زنان، و خرد وکلان با  
اعتصاب هاشان و با شعار هاشان: «مرگ بر دیکتاتور»، «دانشجو،  
کارگر، می میرد؛ ذلّت نمی پذیرد»، و «ایران شده فلسطین -  
مردم چرا نشستین» به پیش می برند.  
و در اینجا با شهامت موضعگیری صریح در برابر خیانت آشکار به  
مردم ایران و تمامی خاورمیانه و جهان. و با کمک به آنچه مردم در  
ایران می کنند. اگرچه در حد تلاش موری کوچک، بر پای کوهی  
بزرگ. در جهت افشای جنایات حکومت ملایان، از ریز و درشت و  
اصولگرا و غیر اصولگرایشان در حق ملّتی اسیر در خاک ایران؛ و  
نه آزارشان به سربازان متجاوز آمریکایی در عراق، و یا قاتلان

اسرائیلی کودک و پیر و جوان و زن و مرد در فلسطین و لبنان، و یا  
خوکان خلیج فارس (نه خلیج عربُ پرسیک). و در جهت افشای  
آنچه مانع تحقق انقلاب مردمی شده است و خواهد شد.  
از جمله:  
شمشیر داموکلس جنگ...

محمد علی اصفهانی  
سوم آذر ۱۳۸۶  
[www.ghoghnoos.org](http://www.ghoghnoos.org)

از همه سو به ما اعلام خطر شده است:  
آمریکا در آستانه ی جنگ با ایران قرار دارد. آمریکا آماده است که  
ایران را بمباران کند. و آنچه هنوز باقی است، فقط صدور فرمان از  
سوی رییس جمهوری آمریکاست.  
در آغاز اکتبر، ده ها شخصیت آمریکایی از زمره ی سیاستمداران،  
مذهبیون، نظامیان، روشنفکران و هنرمندان، فراخوانی دادند (۲)  
که در آن، از مقامات عالیرتبه ی نظامی، از افسران، و از سربازان  
کشور خود خواستند تا از هر فرمانی مبنی بر حمله به ایران  
سریچی کنند.  
این فراخوان بی سابقه و بی مانند، تأکید دیگری است بر این که  
خطر حمله به ایران بسیار جدی و واقعی است؛ و ما باید منتظر  
باشیم که در دروز های آینده، در هفته های آینده، و یا در ماه  
های آینده، حمله به ایران تحقق یابد.  
باید با این خطر مقابله کرد. و از همین روست که ما، در این سو،  
از این فراخوان که در آنسوی آتلانتیک صادر شده است حمایت  
می کنیم؛ و از تمام اروپا می خواهیم که به آن بپیوندد.

اشغال عراق به وسیله ی نیرو های مؤتلف تحت فرماندهی آمریکا، بر خلاف قوانین بین الملل بوده است؛ و به فاجعه انجامیده است.

تجاوز به ایران نیز همچون تجاوز به عراق، غیر قانونی است. و از آن نیز فاجعه آفرین تر خواهد بود.

بند دوم از پاراگراف چهارم آیین نامه ی سازمان ملل متحد چنین می گوید:

«تمام اعضای سازمان ملل متحد، در تمامی روابط بین المللی خود موظفند که از هرگونه تهدیدی یا هر گونه اقدامی علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور های دیگر، و از هر آنچه در این زمینه با اهداف سازمان ملل تناقض دارد اجتناب کنند.»

همانطور که فراخوان دهندگان آمریکایی نیز گفته اند: ایران به آمریکا حمله نکرده است؛ و چون آمریکا آیین نامه ی سازمان ملل را تصویب کرده است، هر حمله یی از سوی آمریکا به ایران، غیرقانونی خواهد بود. هم از نظر قوانین بین المللی؛ و هم از نظر قانون اساسی خود آمریکا. چرا که آیین نامه ی سازمان ملل را آمریکا به عنوان قانون علیا ی کشور خود به رسمیت شناخته است. و اطاعت از این قانون، وظیفه ی نظامیان آمریکا که به هنگام استخدام سوگند وفاداری به قوانین آمریکا یاد کرده اند نیز هست.

این تذکر فراخوان دهندگان آمریکایی، همچنین باید تذکری تلقی شود به تمامی دولتمردان و نظامیان و شهروندان اروپا که کشورهاشان از اعضای سازمان ملل متحد هستند. چه این

کشور ها عضو پیمان ناتو و متحد آمریکا در کادر این پیمان باشند (۳)؛ و چه این کشور ها عضو پیمان ناتو نباشند.

بنا بر این ما از آن ها می خواهیم که پیشاپیش، و قبل از وقوع واقعه، امکان هرگونه همکاری، هرگونه کمک سیاسی، هرگونه کمک اقتصادی، هرگونه کمک نظامی، و هرگونه همراهی لجستیکی با آمریکا را در صورت حمله ی آمریکا به ایران، رد کنند.

جنگی که امروز در عراق در جریان است، تا همین لحظه، هزاران قربانی نظامی، و صدها هزار قربانی غیر نظامی به جا گذاشته است.

این جنگ، خود، تغذیه کننده ی کینه، ارتجاع، و ترویسومی شده است که بانیان جنگ، جنگ را به بهانه ی مبارزه ی با آن به راه انداختند.

هر حمله یی به ایران، به هر مرکزی و نقطه یی در ایران، به هر شیوه یی، و با استفاده از هر متدی که انجام بپذیرد، و ابعاد آن به هر اندازه یی که باشد، شرایط را دشوار تر خواهد کرد؛ و نتایجی مشابه آنچه در عراق به بار آمد به بار خواهد آورد. و این همه، تازه در صورتی است که از تأثیرات فاجعه بار آن بر اقتصاد جهانی حرف نزنیم.

و بد تر از این، استفاده از سلاح های اتمی تاکتیکی است - سلاح های اتمی یی که وجود خارجی و عینی دارند - برای منع ایران از سلاح اتمی یی که هم خود ایران وجود آن را تکذیب می کند؛ و هم آژانس بین المللی انرژی اتمی در جستجوی اخیر خود نشانه یی از آن در ایران نیافته است.

صدام با تجاوز به ایران، جنگی را بر افروخت که مردم ایران برای دفاع از خود ناچار شدند که تحت حاکمیت و مدیریت ملاًها در آن شرکت کنند.

پس، از طریق تجاوزی دیگر به ایران نیست که می توان مردم را از ملاها جدا کرد.

چنین نیست که ما با کشتار هزاران و یا صد ها هزاران انسان، بتوانیم به حقوق بشر و رعایت آن کمک کنیم.

چنین نیست که ما با فروختن تکنولوژی هسته پی به همه ی جهان به جز ایران، بتوانیم این کشور را قانع کنیم که از این تکنولوژی صرفنظر کند.

چنین نیست که ما با نگاه داشتن و رشد و توسعه دادن سلاح های اتمی خود، در آمریکا و فرانسه و انگلستان (همچنان که در روسیه و چین و هند و پاکستان و اسرائیل) بتوانیم از ایران توقع داشته باشیم که دست از این تکنولوژی بردارد.

چنین نیست که با زیر پا گذاشتن مستمر بند ۵ پیمان منع گسترش سلاح های اتمی، از کشوری امضاء کننده ی این پیمان - از هر کشوری از جمله ایران - انتظار رعایت این پیمان را داشته باشیم.

منع گسترش سلاح های اتمی، و خلع سلاح اتمی، هر دو باهم، یک جفت واحد را تشکیل می دهند؛ و هر دو باید به موازات یکدیگر رعایت شوند.

حتی باید گفت که فقط از طریق متعهد کردن خود در یک روند

مورد مذاکره ی خلع سلاح، بر طبق بند ۶ پیمان منع گسترش سلاح های اتمی است که جامعه ی جهانی این امکان را خواهد یافت که از ایران تعهدی محکم و قابل بررسی دریافت کند که - اگر واقعا چنین خطری وجود داشته باشد - این کشور به سمت دستیابی به سلاح اتمی نخواهد رفت.

اقدام ما باید همه ی کشور های دیگر منطقه را نیز که در جهت گسترش سلاح های اتمی هستند و همچنین دولت های به طور غیر رسمی اتمی مثل اسرائیل و پاکستان و هند را در مسیر تحقق یک جهان رها از هر نوع سلاح اتمی و دیگر سلاح های کشتار جمعی، چه در خاورمیانه و چه در سراسر زمین در بر بگیرد.

محکوم کردن و رد کردن جنگ در امروز، نه به معنای پذیرش وضع موجود است؛ و نه به معنای جنگ را تا فردا به عقب انداختن. برعکس:

این به معنای وقت و شانس دادن به دیپلماسی است به منظور یافتن یک راه حل جمعی برای صلح و امنیت همه ی دولت ها و ملت ها در منطقه ی خاورمیانه و تمام جهان.

این به معنای اجتناب از جاری شدن اشک های خونین جدید است.

این به معنای فرصت دادن و اجازه دادن به غلبه ی اندیشه و خرد و عقل است. برای فرزندان ما و فرزندان فرزندان ما. تا بتوانند در جهانی زندگی کنند که کمتر خشن خواهد بود و بیشتر انسانی.

جهانی بدون جنگ. جهانی بدون سلاح و تهدید اتمی.

اروپا می تواند به سهم خود در ساختن چنین جهانی شرکت کند.



اروپاییان باید به مغایله با جنگی که نزدیک شده است به پا  
خیزند!

---

۱ - در زمینه ی «فواید» این نوع بحران سازی، چند روز بعد از  
بیرون آمدن دلچکی به نام احمدی نژاد از زیر عبای خامنه ای، و  
کسانی که خامنه ای را زیر عبای داشته و نداشته ی خود پناه  
داده اند، مطلبی نوشته بودم با عنوان «می خواهند بحران حقوق  
بشر را با بحران اتمی جاگزین کنند». این مطلب، از جمله با لینک  
زیر در خود سایت ققنوس موجود است:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar15/mikhahand.html>

۲ - متن این فراخوان را که در همان زمان به فارسی منتشر  
کرده ام می توانید از جمله با مراجعه به لینک زیر بخوانید:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar04/nafarmani151007.html>

۳ - در مورد نقش فعالی که فرانسه در ناتو ایفا خواهد کرد:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar05/huma-sarko.html>

و همچنین در مود نقش ناتو در حمله به ایران:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar15/choc.html>